

جریان ملاقات ما

با نمایندگان حزب اسلامی گلبدین

۲۰ مارچ ۱۹۸۹ - آخر حوت ۱۳۶۷

طرابلس

جماهيرية ليبيا

سليمان لايق

رفیق نهایت عزیز انجنیر فضل الرحیم «همت»،

اینجانب که در وقت ملاقات طرابلس - لیبیا به حیث عضو هیئت ح.د.خ.ا. و دولت ج.ا. حضور داشتم، متن جریان ملاقات با نمایندگان حزب اسلامی گلبدین را برایتان ارسال میدارم که برای روشن ساختن حقایق و جلوگیری از هر نوع ادعا های دروغین آنرا در سایت وزین «**اصالت**» به نشر بسپارید. **محمد ظاهر نسیم**

قبل از مطالعه گزارش

سال ۱۳۶۷ ملاقاتی که ماهیت سری داشت، در مطابقت با محتوی سیاست مطروحه "مشی مصالحه ملی" و بر اساس میانجگری و پیشنهادات دوستانه رهبر جنبش آزادیبخش فلسطین، زنده یاد یاسر عرفات، بین هیأت نمایندگی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دولت جمهوری افغانستان و هیأت نمایندگی حزب اسلامی- گلبدین، و به اشتراک نمایندگان جماهیریه لیبیا در طرابلس صورت گرفت- و در نتیجه طرحهای ناروای حزب اسلامی به هیچ نتیجه ای نرسید. درباره جریان کامل ملاقات تأکید به عمل آمد که باید دارای سریت باشد، و از انتشار آن جداً خودداری گردد.

اما روزنامه «**شهادت**» ارگان مرکزی حزب اسلامی در شماره ۱۶ سنبله ۱۳۷۴ بعد از گذشت چندین سال از شهادت داکتر نجیب الله و یعقوبی توسط مزدوران جنایت پیشه- به سریت ملاقات و تأکید در زمینه احترام نگذاشته و آنرا افشا کرده همراه با تبصره های افتراء آمیز، و مسوده جریان ملاقاتی که، محترم سلیمان لایق رئیس هیأت آنرا آماده کرده بود، توسط "مرکز خدمات مطبوعاتی" با عنوانی که خودشان انتخاب کرده بودند (**آغاز بدون انجام**) سال ۱۳۷۵ منتشر ساخته شد!

بلکه به آن اکتفا نکرده اند و بعد از گذشت سالیان متمادی، و بمنظور بهره برداری سوء، به مناسبت بیست و یکمین سالگرد فروپاشی حاکمیت مترقی جمهوری افغانستان در نتیجه موضعگیری های لجوجانه امپریالیستی در افزایش مداخلات تخریبکارانه و تشدید آماده سازی و سازماندهی دهشت افگنان، تروریستان "مجاهد" در همکاری با مفیای چندین ملیتی بین المللی و شبکه های استخباراتی کشور های خارجی، و سنگ اندازی و آشوبگریهای برخی از کشورهای همسایه، ارتجاع عرب و منطقه و موقف رقت بار دنباله روان باند خائنانه **گورباچف** و نقش ریاکارانه سازمان ملل متحد و استفاده از "توافقات ژنیو" و "مشی مصالحه ملی" در تضعیف و خلع سلاح کلی حاکمیت ملی و دموکراتیک و پایمال کردن دست آوردهای **قیام ثور** (اپریل) و بخش تبلیغات بیشرمانه بمنظور

منحرف سازی اذهان عامه، متن جریان ملاقات منتشره گذشته با همان عنوان و افتراءات در انترنیت مجدداً در ماه گذشته انتشار یافته است.

امروز با گذشت ۲۴ سال از تاریخ ملاقات لیبیا و درگذشت زنده یاد داکتر نجیب الله و یعقوبی و سرنگونی دولت جماهیریه لیبیا توسط غارتگران امپریالیستی و هلاکت رهبر آن معمر القذافی و عده ای از یاران و همکاران وی، و درگذشت رهبر بزرگ فلسطین یاسر عرفات شیپور های تبلیغاتی نوکران کشور های بیگانه تبلیغات و افتراءات آلوده خویشرا پخش می نمایند و با تمام بی حیائی حرف از ملیت، وطن و آزادی میزنند، در حالیکه با پول و سلاح و آموزش خارجی وطن را ویران کرده و دستاورد های زحمتکشان را زیر پا گذاشتند، بیش از یک ملیون انسان بیگناه را به خاک و خون یکسان ساختند!

اکنون تا جاییکه موضوع ارتباط میگیرد به "جریان ملاقات لیبیا" و غرض روشن ساختن حقایق و جلوگیری از افتراءات و ریاکاری لازم است "جریان ملاقات لیبیا" مجدداً از طریق سایت وزین «اصالت» ارگان نشراتی ح.د.خ.ا. منتشر و قضاوت به خوانندگان، دانشمندان ذیعلاقه و همه وطندوستان حقیقت شناس و واقعبین سپرده شود. چنانچه در پایان متن ملاقات، تبصره های عوامفریبانه حزب اسلامی که عاری از هرگونه مدرک و سند است، و در هیچ جایی از متن جریان ملاقات تذکر نیافته و دیده نمیشود، نیز قرار دارد.

محمد طاهر نسیم

۲۶ جون ۲۰۱۳

۱۹۸۹. ۳. ۱۸ لیبا

مسافرت به جماهیریه لیبیا

۲۳/۲۴ حوت مطابق ۱۴/۱۳ مارچ ۱۹۸۹

رئیس جمهور افغانستان دکتور نجیب الله سلیمان لایق و
نجم الدین کاروانی را بقرارگاه نوکریوال قوماندانی اعلیٰ احضار
کرد و وظیفه داد که فردا بمنظور ملاقات با نمایندگان حزب
اسلامی گلبدین جهت پرواز به کشور دوست لیبیا آمادگی
بگیرند.

ساعت ۱۱ قبل از ظهر ۲۴ حوت ۱۳۶۷ ما هردو با طاهر
نسیم از کابل به دهلی پرواز کردیم، خواستیم از طریق دهلی به
طرابلس پرواز کنیم.

روزهای ۱۴ و ۱۵ مارچ را در دهلی گذشتاندیم و روز ۱۶
مارچ به طرابلس آمديم.

رئیس جمهور افغانستان فرمودند تلگرامی از قنصل افغانی

در لندن دریافت کرده که حاکی از تقاضای نمایندگان حزب اسلامی گلبدین میباشد. آنان تقاضا کرده اند که دوتن از نمایندگان جانب ج.ا. در طرابلس با ایشان ملاقات کند. قبلاً بتاريخ ۲۳ جنوری ۱۹۸۹ در بغداد حین نخستین ملاقات میان نمایندگان ج.ا. و فرستادگان گلبدین فیصله شده بود. که باب مذاکرات مفتوح گذاشته میشود و هر یکی از طرفین حق دارد در صورتیکه کدام پیشنهاد جدید و یا موضوع تازه برای بحث داشته باشد جانب دیگر را به گفتگو دعوت کند. همچنان جمهوری افغانستان بتمام مخالفین خود گفته بود که جانب جمهوری افغانستان به خاطر حل و فصل صلح آمیز مسئله افغانستان حاضر است، در هر نقطه جهان با جانب مقابل بمذاکره بنشینند. روی اصوله بالا ما راه طرابلس را در پیشگرفتیم. جانب مقابل (نمایندگان گلبدین) نمره ۱۱.۵۰ تلفون طرابلس را بسفارت افغانی مقیم لندن سپرده تا هنگام مواصلت هیأت ج.ا. به طرابلس مورد استفاده برای ایجاد ارتباط به ایشان قرار گیرد.

وقتی هیأت ما وارد میدان طرابلس شد اجمل سفیر کبیر افغانی، اعضاء سفارت و یک هیأت دونفری لیبیایی تحت ریاست عماد مصباح الطیاری رئیس دفتر مردمی روابط خارجی وزارت خارجه جماهیریه لیبیا از ما استقبال کردند.

ما موضوع آمدن به لیبیا را به استحضاری مهماندار لیبیایی خود رسانیدیم. از وضع معلوم گردید که برادران لیبیایی در موضوع وارد استند، لیکن ما در مورد معلومات قبلی نداشتیم و نمیدانستیم دوستان لیبیایی در مورد ملاقات ما با حزب اسلامی گلبدین تا کجا علاقه گرفته اند و دعوت کننده اصلی ملاقات میان ما و مخالفین ما کیان استند.

ما را مهمانداران لیبیایی به هوتل واخات آوردند. از ما پرسیدند آیا با رهبر لیبیا جناب معمرالقذافی ملاقات میخواهیم یا چطور؟ آیا شما عنوانی قذافی کدام پیامی از نجیب الله دارید یا نه؟

ما گفتیم ملاقات با معمر القذافی برای ما ارزشمند است لیکن ما تشویش داریم باملاقات خود وقت رهبر لیبیا را تلف نکنیم. در صورتیکه امکان ملاقات و پروگرام آن پیشبینی شده باشد باکمال خوشی ازین فرصت مفتنم استفاده میکنیم و پیرامون اوضاع افغانستان به او معلومات میدهیم.

بعدها فهمیدیم که سفیر افغانستان (اجمل) هنگام اطلاع یافتن از ورود ما به بوزارت خارجه جماهیریة اطلاع داده است که هیأت حامل پیام رئیس جمهور نجیب الله به معمر القذافی رئیس جمهور لیبیا میباشد. اطلاعات سفیر کبیر افغانستان مقیم لیبیا درست نبود و از اطلاع تیلفونی هیأت ما که از دهلی

به او مخایره کرده بودیم و تاریخ ورود هیأت افغانی را با توضیح غیر پرواز و وقت معین وصول به اوشان معلومات داده بودیم سو توجیه بعمل آمده و موجب اجرا آن نادرست دیپلماتیک شده است.

بر مبنای همین اجرا آن غلط «مصباح طیاری» هنگام استقبال در میدان هوایی از سفر رهبر لیبیا به بن غازی و همراهی شان با حافظ الاسد با اطلاع دادند و گفت که رهبر لیبیا مصروف مهمانداری حافظ الاسد هستند.

ما بتاريخ ۱۷ مارچ مطابق ۲۷ حوت ۱۳۶۷ به تېلفون موعود نمبر ۴۵۰۱۱ که توسط نمایندگان گلبدین به جانب ما داده بود، از حضور خود در طرابلس اطلاع دادیم. شخص مؤظف گفت که نمایندگان حزب اسلامی به روم آمده و در آنجا به مشکلی روبرو شده اند، هر گاه بر سند به شما اطلاع خواهیم داد، ما تېلفون سفارت را بشخص مؤظف دادیم و طلب کردیم که هرگاه نمایندگان گلبدین به طرابلس برسند با تېلفون معرفی شده بجانب ما اطلاع بدهند.

ما ۱۷ مارچ روز جمعه را به برون شهر بردیم و از آثار تاریخی دیدن بعمل آوردیم؛ ۱۸ مارچ ساعت ۹:۵ به «مصباح الطیاری» مراجعه کردیم، ایشان گفتند ساعت یازده با يك مقام بلند پایه لیبیایی مذاکره خواهم داشت.

۱۸ مارچ ۱۹۸۹ طرابلس:

از رادیوی المان غرب شنیدیم که کنفرانس اسلامی به اکثریت قطعنامه درباره افغانستان صادر کرد. در قطعنامه به کشور های جهان توصیه شده است که حکومت مؤقت مهاجر افغانستانرا به رسمیت بشناسد مانتوانستیم در مورد قطعنامه کنفرانس اسلامی که در باره کرسی افغانستان در کنفرانس صادر کرده است، چیزی بفهمم، تلاش کردیم از محتوی قطعنامه معلوماتی بدست آریم تا ارزش آنرا ارزیابی کنیم و مطابق به آن برخورد خود را در مورد آن عیار نمائیم.

هیچ روز نامه و نشریه یی در بنمورد چیزی نه نوشت، و سائل جمعی لیبیا درباره سکوت اختیار کردند.

مطبوعات و رادیوهای جهان نیز کدام اخبار و تبصره یی را که برجستگی و درخشندگی داشته باشد نشر نکردند، اصلاً کدام چیزی که جلب توجه کند نشر نه شد، شاید مسأله دارای اهمیت نبوده و ارزش انعکاس وسیع را برای کنفرانس نداشت، لیکن به هر حال موجب تشویش هیأت ما گردید.

درین دنیای سردرگم چه کارهایی که نمیشود، کشورها را با تمام ملت ها میخرند و میفروشند، سعودی های پولدار کشور هایی مانند سودان را از طریق رهبران غارتگر و چشم گرسنه آن با مبلغ ناچیزی در حدود چند صد هزار و یا میلیون دالر مانند

گوسپند میخردند و ریسمان جلادان امریکایی را بگردن شان می
بندند، چه جنایاتی که بر ملت ما روا نداشتند، ده سال خون
ریزی و غارتگری، ده سال وطنفروشی و رهنی اینهمه بخاطر
پول!! چه پولی، پول تباه کننده از جیب های غارت شده مردم و
ملل، عرب های مهذب، مبلغان دین، برای همین فریاد آزادی
سر میدادند که دیگران را به غلامی بکشند؟ مگر این آتش را
در کشور ما کی می افروزد! کی چنین حقی رابه آنان داده است؟

وطن من ترا بلند میدارم، سوگند یاد میکنم، ترا باهیچ
قیمتی و بر هیچ قدرتی نمیفروشم. تو مادری و ما مادر فروشان
نیستیم. ما قبرستان پدران خود را نمی فروشیم و از قماش او
باشان و وطنفروشان نیستیم.

وطن تو صدای مرا میشنوی، من ترا در قصیده هایم، در
ترانه هایم و در سرودهای عاشقانه ام پرسش کرده ام؟

بتو عشق ورزیده ام و جوانی ام بتو اهداء کرده ام. (۱)

جوانی ام را که دیگر تکرار نمیشود؛ زندگی ام را که دیگر باز
نمیگردد، شعرم را که بتکرار روی شاخه زندگی نمی شکفتد، همه
را بتو دادم.

در شعله های آتش فریاد میزنم.

در دریای خون غرق میشوم، در سوگ فرزندانم از پا در
نمیایم، زیرا من بتو پیوسته ام و هر چیز خود را بتو داده ام.

۱۹ مارچ ۱۹۸۹ مطابق ۲۹ حوت ۱۳۶۷
طرابلس - جماہیریۃ لیبیا .

ساعت ۴ بعد از ظهر امروز در مقر وزارت خارجه لیبیا با
جاء الله عزيز الطلحي وزير خارجه لیبیا ملاقات کردیم .

اشتراک کنندگان از جانب افغانی:

سلیمان لایق

محمد الدین کاویانی

سفیر کبیر افغانستان مقیم طرابلس (اجمل)

محمد طاهر نسیم

اشتراک کنندگان از جانب لیبیا:

جاء الله الطلحي وزير خارجه

عیاد مصباح الطیاری

لایق: (بعد از تعارفات): «خوشوقتم که سلامهای گرم رئیس
جمهور افغانستان دکتور نجیب الله را به رهبر مردم لیبیا برادر
معمر القذافی باخود اوده ام. البته در صورتیکه رهبر لیبیا را
دیده نتوانیم در آن صورت از طریق شما سلامها و تمنیات رئیس
جمهور را به برادر قذافی تقدیم میکنم.

هدف مسافرت ما و ملاقات با مقامات لیبیایی و بوساطت

برادران لیبیایی گفتگو با نمایندگان حزب اسلامی افغانستان
میباشد. این ملاقات مطابق به توافق آخرین نشست ما با
نمایندگان حزب اسلامی دریغداد صورت میگیرد. آنجا باب
مذاکره را مفتوح گذاشته بودیم و قرار گذاشته بودیم که هر یکی
از جوانب میتواند وقتی نظریات تازه بی داشته باشد، جانب
مقابل را به ملاقات دعوت کند.

ده سال میگذرد که ایالات متحده امریکا جنگ را بر مردم
افغانستان تحمیل کرده است. این جنگ علاوه بر خسارات
سیاسی و اقتصادی فراوان، زندگی عده بی زیاد از فرزندان
افغان را سلب کرد. عده بزرگی از ساکنان کشور خانه و کاشانه
خود را از دست داده از زندگی ساقط شده اند.

ایالات متحده امریکا مخالفان انقلاب را با سلاح و امکانات
مادی مجهز میکند و از لحاظ سیاسی و اقتصادی کمک بیدریغ
میرساند، آنان میکوشند تا جمهوری افغانستان را از لحاظ
نظامی و اقتصادی ساقط سازند و نظام منتخب خود را جانشین
نمایند. جمهوری افغانستان به تجاوز جنگی و سیاسی جواب لازم
داده است و میدهد، لیکن جنگ را وسیله حل و فصل مسأله
افغانستان نمیشمارد. رهبری ما معتقد است که باید راه سیاسی
حل و فصل مسأله را جستجو و پیدا کرد.

طرح سیاست مصالحه ملی که دست آورد زمامداری دکتور

نجیب الله میباشد، از اعتقاد بر راه حل سیاسی مسأله افغانستان ناشی شده است، مصالحه ملی يك پروگرام وسیع و مرکب است و دو سال قبل از جانب جمهوری افغانستان طرح و پیشنهاد گردیده است، درین سیاست آتش بس پیشنهاد شده و از جانب جمهوری بصورت یکجانبه رعایت گردیده این سیاست انحصار ح.دخ.ا در حاکمیت از بین برد و به مخالفین دعوت داد تا جهت ایجاد يك حکومت انتلافی بر پایه های وسیع در شورای مشورتی شرکت نمایند. (۱)

وقتیکه دور قبلی مذاکرات در بغداد پایان می یافت سلسله مذاکرات را باز گذاشتیم در صورتیکه هر جناح پیشنهاد و نظریات جدید داشته باشد دور دیگر مذاکرات را دعوت نماید، چون نزد ایشان نظریات جدید پیدا شده اینک بتاريخ ۱۳ مارچ بمراجعه کرده اند و خواهش ملاقات نموده اند. ایشان بنمایندگی سیاسی ما در لندن تیلیفون ۴۵۰۱۱ را در طرابلس یادداشت داده اند و گفته اند که بتاريخ ۱۷/۳/۱۹۸۹ منتظر وصول ما در طرابلس میباشند. ما مطابق توافقات قبلی که بشما گفتیم ۱۶ مارچ وارد طرابلس شدیم و ایشان تا امروز که ۱۹ مارچ است باینجا نیامده اند.

(۱) چند سطری درین صفحه خوانده نمی شود.

حضور ما برای ملاقات طبق طرحهای رئیس جمهور نجیب الله صورت گرفت که گفته اند، «بامخالفین خود هر وقت و در هر جای مذاکره حاضریم.»

نزد ما در مذاکره با نمایندگان حزب اسلامی بر بنیاد پرنسیپ فوق رهنمود روشن وجود دارد لیکن ابراز تشویش میکنیم که حزب اسلامی گلبدین مذاکرات با هیأت ج.ا. را بغرض صلح نه بلکه بغرض و کدام کردن خود و بازی های سیاسی که خود در نظر دارد، انجام میدهد. مثلاً نمایندگان همین حزب در بغداد از ما خواهش کردند که مذاکرات را جداً مخفی نگهداریم. لیکن بعد از ختم مذاکره در همان روز اول سعد الدین رئیس اخوان المسلمین سوریه نزد ما رسید و گفت که او میتواند در تغییر موضعگیری حزب اسلامی گلبدین تأثیر وارد کند. معنای این حرف آنست که حزب گلبدین سریت مذاکرات را نقض کرده بود.

همچنان چندی بعد يك جریده در خلیج اطلاع داد که میان حزب اسلامی گلبدین و نمایندگان ج.ا. در یکی از کشورهای عربی مذاکراتی صورت گرفته است.

و اخیراً لاریجانی معین وزارت خارجه ایران در مذاکرات غیر مستقیم با ما گفت که: «گلبدین از نمایندگان نجیب الله خواستار شده که از حاکمیت در افغانستان دست بردار شوند و قدرت را به وی انتقال بدهند!»

طوری که گفتم نمایندگان گلبدین از مذاکرات مخفی برای بازی های سیاسی استفاده میکنند و سرت مذاکرات را که خود پیشنهاد کننده آن استند رعایت نمی نمایند.

از طرف دیگر گلبدین نمایندگان صاحب صلاحیت را که بتوانند در قضایا تصمیم بگیرند نمی فرستند.

اشخاص وی با حرفهای بیهوده وقت را تلف میکنند.

مثلاً در مذاکرات گذشته طرحی نداشتند همین میگفتند که: «قدرت را بحزب اسلامی انتقال بدهید و ما در مکافات این گذشت شما جان افراد و اعضاء ح.د.خ. حفاظت میکنم»

اگر نمایندگان گلبدین باز هم با این حرفها به سوی ما آمده باشند، مذاکرات سودی نخواهد داشت.

ما ارزشمندیم که برادرانی لیبیایی ما در میان هر دو جانب مذاکره کننده تنها در موقعیت نصیحتگر قرار نگیرند بلکه در موقعیت قاضی نیز قرار بگیرند.

اکنون همگان می فهمند که ج.ا. چنان نیست که غرب تبلیغ میکرد. آنان میگفتند که باعودت قوای شوروی ج.ا. بدست شورشیان سقوط خواهد کرد. لیکن واقعیت حوادث نشان داد که جمهوری جوان و قوای مسلح آن میتوانند از افغانستان دفاع کند و روی پای خود بایستد. حوادث اخیر جلال آباد گواه روشن این

حقیقت است.

ما نمیخواهیم بدلیل قوتمندی نیروهای مسلح خود راه حل نظامی را انتخاب کنیم. ما راه حل سیاسی راه صلح را انتخاب کرده ایم. لیکن اگر کسی بروی ما شمشیر بکشد ما مجبوریم شمشیر دوم را انتخاب کنیم و بمقابله برخیزیم.

يك نکته عمده را میخواهم بعرض برسانم:

ضد انقلاب در پیکار علیه ج.ا از دو شعار استفاده میکرد یکی اینکه اسلام در خطر است.

دوم اینکه شوروی ها با فرستادن قوای مسلح به اشغال افغانستان دست زده اند.

این دو شعار که بنیاد فکری مبارزه علیه ج.ا- بوده است با مرور زمان و وضع جدید سیاسی در کشور و عرصه بین المللی اعتبار خود را از دست داده است.

ج.ا- برای تنظیم امور دین وزارت شئون اسلامی، شورای عالی علماء و روحانیون را بوجود آورد و نهضت وسیع را در تعمیر مساجد مزارات و اماکن متبرکه گسترش داد. مصارف پنجسال اخیر در امور دینی برابر با مصارف يك قرن سلطنت های افغانستان در گذشته میباشد.

و باعودت قوای شوروی به کشور شان اتهام اشغال افغانستان
از جانب شوروی نیز بی اعتبار شده است.

شعار دیگری که بتواند جنگ علیه افغانستان را از خارج
مرزها توجیه کند وجود ندارد و نمیتواند وجود داشته باشد.
البته هستند کسانی که خود را مالکان بهشت و وکلای خداوند
در زمین می شمارند و از چنین مقام ما را تکفیر میکنند. لیکن
آنان در جامعه و افکار عمومی مردم ما رد شده و افلاس
سیاسی کرده اند.

کشور ما در حدود ۸۵٪ اهل تسنن و حنفی مذهب اند.
متباقی اکثر شیعه های اثناعشری و عده بی اسماعیلی هستند.

مردم ما ارزشمندند که مطابق به سنن امامان اسلام و آنمه
سلف راه و طریق اسلامی را متابعت کنند، لیکن ضد انقلاب و
گروه های معینی در هفتگانه ها با مذاهب جدید چون سلفیان و
وهابی به کشور ما روی آورده اند. مردم ازین مذاهب که با پول و
سلاح تعمیم میگردد نفرت میکنند. ما میخواهیم به دیانت
اسلام که چون بلور رخشنده و پاک است آسیب رسانیده نشود و
بطریقه مسنونه اسلامی باقی بماند. به نو کردن آن و غیره اجازه
داده نشود.

در پایان وظیفه خود میدانم از مهمان نوازی برادران لیبیایی
و مراظبت شان تشکر کنم!

تشکر از همدردی تان با مسأله افغانستان. خوش می‌شویم
برادران لیبیایی در قطع خونریزی در افغانستان بما کمک
برسانند!

تشکر از توجه تان!»

جاء الله الطلحي: «تشکر از توضیحات مفید تان در گذشته
با عبدالوکیل وزیر خارجه ج.ا. صحبت کرده بودم. ماچند باری
در طرابلس و کشورهای دیگر با هم صحبت کرده ایم. شما بر
موقف ما در مورد افغانستان آگاهی دارید، توجه اساسی ما در
صحبت هابیکه صورت میگیرد برین معطوف است که مردم
افغانستان سالهای زیادیست که دوام جنگ را تحمل میکنند.
دسیسه امپریالستی و عوامل خارجی دیگر در پشت این جنگ
وجود دارد. باید اعتراف کرد که بعضی اشتباهات در آغاز
انقلاب بوجود آمد که موجب سوء استفاده ایالات متحده و
طرفداران وی قرار گرفت.

معتقدیم که از آمدن نجیب الله بر قدرت بسیاری اشتباهات از
بین برده شد. ابتکارات خوب طرح کرد و سوء استفاده
امپریالستی را حد اکثر از بین برد. اهتمام بدین اسلام، طرح
سیاست مصالحه ملی و تدوین قانون اساسی توجه ما رابه این امر
معطوف کرده که اشتباهات تا بسیار جای اصلاح شده است.
عامل دین از جانب امپریالیزم مورد استفاده قرار گرفته بود. ما
در کشور خود به این فکریم که تعالی و ترقی هرگز با اسلام در

تضاد نیست. ما حجم توطئه های ضد افغانستان را میدانیم!

قبل از خروج قطعات اتحاد شوروی بعضی می اندیشیدند که ج.ا. با عودت قوای مذکور از طرف مخالفین سقوط داده خواهد شد. این ذهنیت در اثر تبلیغات وسیع علیه جمهوری شما بوجود آمده بود. لیکن دفاع مستقلانه شما و بخصوص تصادمهای جلال آباد چشم عده یی را باز کرد و در آینده نیز باز خواهد شد. آنان در موضعگیری خود تجدید نظر خواهند کرد.

لیبیایی ها خصوصاً رهبر ما معمر القذافی سعی میورزند تا بخاطر قطع جنگ و برادر کشی در افغانستان کاری را انجام بدهد تا شرائط مناسب ایجاد شود و صلح تأمین گردد.

من در کنفرانس اسلامی مطالبی را برای عده یی بصورت انفرادی گفتم و آنانرا بواقعیت متوجه ساختم.

امشب جانب مقابل شما به طرابلس میرسند آنان منتظر مذاکرات با شما هستند، ما وظیفه داریم تسهیلات را فراهم سازیم. رهبر ما شخصاً توجه عمیق دارد و امشب گفتگوهای کنونی را برایشان گزارش خواهم داد. امید داریم جانب مقابل را قانع سازید.

ما تمام مساعی را بخرج میدهیم تا قضایا و مشکلات موفقانه در کشور شما حل گردد!

ملاقات یکنیم ساعت را دربرگرفت و مطالب عمده بالاثبت شد.

۲۰ مارچ ۱۹۸۹ مطابق آخر حوت ۱۳۶۷ طرابلس

ملاقات ما باغماپندگان حزب اسلامی گلبدین
شروع ملاقات ساعت ۷ بعد از ظهر.
اشتراک کنندگان:

از جانب جمهوری افغانستان:

۱- سلیمان لایق عضو بیروی سیاسی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا.
وزیر سرحدات ج.ا.

۲- نجم الدین کاویانی عضو بیروی سیاسی مرکزی ح.د.خ.ا.
و مسئول شعبه روابط بین المللی حزب.

۳- محمد طاهر نسیم عضو شعبه روابط بین المللی ح.د.خ.ا.
از جانب حزب اسلامی:

۱- قدیر کرباب معاون گلبدین.

۲- غیرت بهیر سکرتر خاص و داماد گلبدین.

از جانب جماہیریہ:

۱- عیاد مضباح الطباری مسئول دفتر ملی روابط خارجی.

بعد از حرفهای مقدماتی:

لایق: ما در ملاقات گذشته بغداد قرار گذاشته بودیم که باب مذاکره مفتوح است و جانبیکه طرحها و نظریات جدید را بخواهد بطرف مقابل ارائه کند حق دارد طرف مقابل را برای مذاکره در يك محل مناسب دعوت نماید. اکنونکه حزب اسلامی بچنین دعوتی مبادرت کرده است ما مطابق به تعهد و قرار ملاقات بغداد باینجا آمدیم تا ببینیم حزب اسلامی چه پیشنهاد و نظر جدیدی در باره حل و فصل صلح امیز مسأله افغانستان ارائه میکنند.»

کریاب: «دعوت ملاقات را جانب رژیم کابل داده است و ما کدام نظر و پیشنهاد جدیدی نداریم.»

بهریر: «شازدافیر شما سرور درلندن به رفقای ما مراجعه کرده و خواسته بود که آقای دکتر نجیب میخواهد با برادر حکمتیار در لیبیا، عراق، سوریه، اطریش و یاسوس ملاقات کنند. بعداً وقتی من به لندن رفتم سرور دريك رستوران با من ملاقات کرد و تقاضای داکتر نجیب را برای ملاقات با حکمتیار صاحب ابراز نمود. من بوی گفتم این ملاقات ساده نیست باید برای آن مقدمه چید و قبل برین ملاقات ملاقاتی در قدمه های پائین صورت

گبرد. من رفتم و سرور بهرستان تيلفون كرد. حكمتيار صاحب
برای ملاقات با دكتور نجيب عربستان را پيشنهاده كرد. ليكن
اكتون ديده ميشود كه سؤ تفاهم بوجود آمده است.»

لايق: «به هر صورت مذاكرات را شروع ميكنيم!»

كرياب: «بهتر خواهد بود اين مرد ليبيايي (اشاره به عياد
الطيارى) برود و ماوشما بين خود بنشينيم. زيرا در حضور او
نمي توانيم به اجزاء مسائل برويم.»

لايق: «ما چنين پيشنهاده را نميكنيم، اگر شما خواسته باشيد
از جانب خود پيشنهاده كنيد ما عكس العمل نامساعد نشان
نخواهيم داد!»

مصباح الطيارى: «برويم روى ميز مذاكره»

روى ميز مذاكره رفتيم.

مصباح الطيارى: «بسم الله الرحمن الرحيم. حمد بر خدا (ج)
و درود بر حضرت رسول ﷺ. موجب مسرت من است كه به
نمايندگى جماهيريه بشما خوش آمديد بگويم. اين ملاقات را
جماهيريه سازمان ميدهد. ملاقاتي كه در رفع آلام افغانها سهم
بگيرد. جماهيريه با تمام علاقمندى اين ملاقات را در آغوش خود
ميگيرد. جهت تقديم كمك براى برون رفت از دردهاى مردم
مسلمان افغانستان كه سالهاى متصادى با آن روبرو بودند.

منتظریم که این کشور اسلامی به آرامش نایل آید. این ملاقات را جهت متوقف ساختن خونریزی و حفظ استقلال و حاکمیت ملی افغانستان کمک میکنیم.

بار دیگر به شما خوش آمدید گفته پیروزی و خوشی شما را ارزو میکنم. من شخصاً و تمام امکانات دست داشته در خدمت شما قرار دارد. بامید اقامت خوش بین فامیل و برادرهای لیبیایی تان.

لایق: «ما مطابق قرار ملاقات بغداد آمدیم. در آن قرار گفته شده بود که باب مذاکره مفتوح است و دعوت دهنده موضوع پیشنهادی خود را طرح میکند.»

کریاب: «ما آمدیم که مطابق آجندای قبلی یعنی تسلیم قدرت از جانب ح.د.خ.ا به مجاهدین صحبت را از سرگیریم. فهم ما اینست که ح.د.خ.ا میخواهد انتقال مسالمت آمیز قدرت را با ما در میان گذارد.»

بهیر: «در لندن و جده با سرور همین تفاهم را بعمل آورده بودیم.» او اطمینان داده بود که داکتر نجیب قدرت را تسلیم میکنند!»

لایق: «حالا که شما بامید تصرف قدرت و بالاشدن بر اریکه حاکمیت اینجا آمده اید لازم می افتد برای تان بگویم که هرگز

چنین تصویری نمی‌رود. برای شما پیشنهاد می‌کنم که مطابق طرح پیشنهادی ما به بحث آغاز کنیم و لازم میدانم این طرح را یکبار دیگر برایتان تکرار کنم: آتش بس را رعایت کنیم، یک کمسیون مشترک از طرفین.... راستی ببخشید فراموش کردم پرسش شما از کدام جانب نمایندگی میکنید. از حکومت موقت؟ از هفتگانه؟ یا از حزب اسلامی و غیره تا من طرح خود را برای آنجا مطابق به نمایندگی جانب شما تقدیم کنم!

کریاب: «ما از حزب اسلامی نمایندگی میکنیم. اگر در آینده لازم شد شاید از دیگران هم! فعلاً فقط از حزب اسلامی.»

لایق: «درینصورت آتش بس دوجانبه را نافذ می‌سازیم یک کمسیون مشترک را توظیف میکنیم که بر آتش بس کنترل خود را قائم کند. در آغاز شما مناطق خود را که بقولتان بر ۹۵٪ کشور کنترل دارید و ما مناطق خود را با خود نگهداریم. شما نیروهای خود را و ما نیروهای خود را حفظ میکنیم. خطوط همکاری و تقسیم مقامات دولتی را توسط کمسیون مشترک و طبق توافق رهبران ما انجام میدهیم. طرفین نیروهای دیگر را مطابق پروگرام توافق شده درحکومت ائتلافی جای میدهیم و علیه آنانیکه ضد صلح و مصالح مردم قرار میگیرند و بر خورد نظامی میکنند مشترکاً اقدام مینمایم. شما مرکز خود را از خارج بداخل کشور انتقال دهید ما بشما سلاح و

مهمات می‌دهیم و ضرورت‌های پولی شما را مرفوع می‌سازیم و طبق این طرح آجندای صحبت کنونی را تنظیم می‌کنیم.»

کریاب: «تأسف می‌کنم که باید غلط فهمی اینجا یکجا شدیم. فکر می‌کردم که ما با تفاهم مشترک اینجا آمده ایم. ما دو طریق را پیش رو داریم یا باید با شما سازش کنیم و یا هدفی را که به‌خاطر آن قیام کردیم تا آخرین قطره خون تعقیب کنیم و آن هدف تشکیل یک حکومت اسلامی است. ما یازده سال برای تحقق این هدف کار کرده ایم. شما هم دو راه دارید یا با انتقال مسالمت آمیز قدرت به مجاهدین که در رأس آن حزب اسلامی قرار دارد موافقت می‌کنید و یا اینکه ما را به اشتراک در قدرت دعوت مینمائید. هیچکس نمیتواند با شما به سازشی برسد که تاریخ مبارزه خود را تباه سازد، همچنان ما نمیتوانیم کمکهای سلاح و پولی شما را قبول کنیم. زیرا درینصورت ما به عمال و دست‌نگرهای شما تبدیل میشویم. ما به کمکهای شما احتیاج نداریم و شما نمیتوانید ما را به وابستگان خود تبدیل کنید، هیچ حزبی ولو خیلی کوچک باشد حاضر نیست با شما در حکومت اشتراک کند، شما فقط یک راه دارید که بحزب اسلامی تسلیم شوید و ضمانت زندگی و حیثیت خود را بدست آرید. نجیب‌الله رئیس‌جمهور نیز چنین پیشنهادی را داشت میخواست قدرت را به حزب اسلامی

انتقال دهد، اگر شما با چنین طرح نیامده اید، ما را بدون موجب
باینجا دعوت داده اید.

لایق: «شما با ما به لهجه و شیوه بی صحبت میکنید که
گویا ما اسیران شما باشیم. ما اینجا نیامده ایم که اولتیماتوم
های شما را بشنوم. ما در کشور خودیم و روی پای خود استاده
ایم و شما را بصلح و حل سیاسی مسأله افغانستان دعوت
میکنیم. پیشنهادات شما بلند پروازانه و متکبرانه است.
خواهش میکنم واقع بین باشید. واما درباره ملاقات داکتر
نجیب الله با حکمتیار نمیتوان بدون توافق روی آجندای معین و
اتخاذ تدابیر مقدماتی از قبیل تعیین محل مناسب، تأمین
امنیت و باور به نتایج اقدام کرد!»

کریاب: «منظور ما از انتقال قدرت آن نیست که حق یک
بخش مردم را برای همیشه سلب کنیم. ما التیماتوم نمیدهیم
میخواهیم جلو خونریزی را بگیریم. هدف اساسی ما جلوگیری از
خونریزی است. نه اینکه شما را تحقیر کنیم.

در وقت انتقال قدرت اشتراك دادن ح. د. خ. مشکل تخنیکی
دارد لیکن ما تایید میکنیم که حقوق سیاسی و مدنی شما را
در نظر میگیریم و اشتراك فعال تان را تأمین کرده نمیتوانیم.
ما در مورد ملاقات آقای نجیب و برادر حکمتیار نظر آقای

لایق راتایید میکنیم که گفت باید قبل از چنین ملاقات آمادگی لازم گرفته شود.

(لایق در سر آغاز ملاقات به جواب بهیر که گفته بود سرور شارژدافیر سفارت افغانستان در لندن تقریباً ده بار ملاقات نجیب با حکمتیار رانقضا کرد، اظهار نظر کرد که چنین ملاقات بدون تعیین اجندا و آمادگی لازم مفید نخواهد بود. باید برای چنین ملاقات آمادگی لازم اتخاذ گردد.)

کاوینانی: «برداشت ما این است که دعوت از جانب شما شده است، مطابق مذاکرات بغداد ما فکر کردیم که در نظریات شما تغییری رخ داده است.

ما قبلاً گفته بودیم میان رهبران در صورت امکان ملاقات صورت گیرد. لیکن قبل بر چنین ملاقات باید میان ما در دو مورد توافق بوجود آید:

اولاً در مورد اینکه حل سیاسی راه درست برخورد با مسأله افغانستانست. دوم اینکه در حل سیاسی ح.د.خ.ا - و حزب اسلامی بشمول تمام احزاب اشتراك کند.

اکنون که قوای شوروی از افغانستان خارج شده و جمهوری افغانستان مستقلانه از خود دفاع میکند حل سیاسی اهمیت زیاده‌تر پیدا کرده است. امریکایی‌ها علاقه دارند اوضاع

جنگی در منطقه بیشتر تشدید شود.

دو شعار برای جنگ وجود داشت:

یکی اسلام در افغانستان در خطر است.

دوم شوروی ها افغانستان را اشغال کرده اند.

این شعارها اعتبار خود را از دست داده اند بینش از یکماه میگذرد که شوروی ها افغانستان را ترك کردند. شعار تحت خطر بودن اسلام در کشور ما نیز قبل برین اعتبار خود را از دست داده بود. مجاهدین منطقی برای دوام جنگ ندارد.

ما معاهدات ژینو را یکجانبه تطبیق کردیم. باید مطابق این معاهدات کمپ های شما از پاکستان جمع می شد و از خاک پاکستان هیچ اقدامی علیه افغانستان نمی شد. لیکن چنین نشد. شولتز بر قبر ضیاء الحق به حکمتیار وعده داد که در آینده نیز مثل گذشته بوی سلاح خواهد داد. و اعلان کرد که سلاح به مجاهدین می‌دهیم. اخیراً امریکا اعلام کرد که نماینده خاص خود را به پاکستان می‌فرستد. ما حمیدگل و دستگاه استخباراتی مربوط به او را و همچنان صاحب زاده یعقوب خان را نمایندگان (C.I.A) امریکا می‌شماریم. وقتی سعدالدین رئیس حزب اسلامی سوریه در بغداد نزد ما آمد و گفت که ۸ سال میشود با حکمتیار روابط داریم، مابه او گفتیم نگذارد

امریکا در منطقه نفوذ کند و به حکمتیاز توصیه کند که از سلاح و پول امریکایی دست بکشد. ما علاقمندیم تعهدات ژینو از جانب پاکستان، امریکا رعایت گردد. این به سود کوتاه کردن دست امریکا از منطقه میباشد. آنچه قبلاً لایق به شما گفت که در صورت انتقال مرکز تان به افغانستان سلاح و مهمات را ما برای شما تهیه میکنیم نیت شان این بود که امریکا دیگر به منطقه سلاح نیاورد. امریکایی ها میگویند ما تا وقتی به مجاهدین سلاح میدهیم تا رژیم کابل از پا در آید. ما میگویم مسأله رژیم مسأله افغان ها ست و باید بدون امریکایی ها حل و فصل شود. ادامه و دوام جهاد نزد قوماندانان داخلی معنایی ندارد. مبارزه ما برای قطع سلاح امریکایی ادامه خواهد کرد.

شما گفتید میخواهید حکومت اسلامی بسازید امریکا مدعیست که رژیم کابل غیر اسلامی است. ما در قانون اساسی گفتیم اسلام دین افغانستان است و هیچ قانونی در کشور خلاف اسلام وضع شده نمیتواند. شما تحت فشار پاکستان مجلس و حکومتی در راولپندی ایجاد کردید این ها اوضاع جنگی را تشدید میکنند.

آقای کریاب! شما گفتید: حتی هیچ تنظیم کوچکی حاضر نیست در قدرت با ح. د. خ. ۱- شریک شود. اگر میتوانستم نماینده

این تنظیمها باشیم میگوئیم تمام آنان بشیوه جداگانه خود فکر میکنند نه مانند شما، اینطور نیست که شما میگویید. آنان تمام شان با ما در تماس استند. مشکل اساسی تنظیمها اینست که چون حزب اسلامی شما سلاح بیشتر بدست می آورد تنظیمهای دیگر بخاطر بدست آوردن سلاح قوماندانان خود را در تنظیم شما پرتاب کرده اند. به نظر ما، غربی ها و امریکایی ها نمیخواهند پولی را که داده اند ضائع گردد.

اگر حرف برسر نام جمهوری باشد میتوان نام آن را مطابق جمهیریه لیبیا تعدیل کرد. اگر چنین تعدیلی مسأله ما را حل کند ما به آن توافق داریم.

ما از شما و از هیچکس نمیخواهیم که با تسلیم شوند و ما هم حاضر نیستم که به کسی تسلیم شویم. در کشور ما اکنون حتی يك عسکر روسی وجود ندارد. ما از کشور مستقلانه دفاع میکنیم. اشتراك ملیشای پاکستانی در حملات شما علیه ما اثری نگذاشت. دو افسر پاکستانی در کابل اعترافاتی کرده و مداخله پاکستان را افشا کرده اند. مجددی خیلی لاف زده بود لیکن جلسه خود را نتوانست در جلال آباد دائر کند. حل مسأله آمیز مسأله افغانستان باید تمام بخشهای مجاهدین افغانستان را در برگیرد.

شما گفتید حزب اسلامی در رأس مجاهدین قرار دارد لیکن

اکنون مجددی و سیاف در رأس قرار گرفته اند. شما عقب ماندید. اگر بحث چنین ادامه پیدا کند که گفته شود ما امنیت شما را میگیریم این بحث بجایی نمیرسد و ما در باره امنیت خود بیم نداریم. ما در کشور خود زندگی میکنیم ازادانه به لیبیا آمده ایم. ازادانه با کابل مخابره میکنیم. ما از شورای شما و از مشکلات شما خبر داریم - عده بی که در راولپندی بودند برای ما هم قصه گفته اند. ما حزب شما را از نظر نمی اندازیم و دیگران را هم.

در باره استخبارات پاکستان و ارتباط وی با (C.I.A) و اینکه چگونه منافع ایالات متحده امریکا را تعقیب میکنند معلومات کافی داریم.

ما می خواهیم يك کشور آزاد، مستقل، بیطرف، غیر منسلک، مسلمان و دوست کشورهای دیگر باشیم. امریکا نمیخواهد جنگ در افغانستان متوقف شود.

در سیاست پاکستان با امریکا هیچ تغییری رخ نداده است، ما فکر میکنیم برای حل سیاسی دور از نفوذ امریکا و پاکستان عمل کنیم.

تسلیم در برابر مغلوب شدگان طرح میگردد و ما مغلوب شدگان نیستیم.»

کریاب: «حرفهای شما تلخ است، شماطوری صحبت میکنید که دريك کنفرانس بين المللی تبلیغ کنند. من نمیخواهم بتمام حرفهای شما جواب بدهم ولی مختصراً میگویم:

ما درمورد تطبیق معاهدات ژینو کدام مسئولیت نداریم. تطبیق انرا از آنانیکه با شما تعهد کرده اند طلب کنید. ما در اول علیه این تعهدات مخالفت خود را ابراز کردیم.

شما گفتید که از شورای راولپندی اطلاعات دارید نتایج انرا روزمره می بینید و در آینده نیز خواهید دید. درست است که ما شورا را در خارج تدبیر کردیم لیکن حکومت ما در داخل خواهد بود. چنانچه حکومتهای محلی همین اکنون در دست ماست. و ۹۵٪ اراضی افغانستان در دست مامیباشد. در ترکیب حکومت مؤقت میگویم ما کوشش کردیم جلو مداخله کشورهای خارجی را گرفته باشیم. حزب اسلامی توافق کرد که چنین ترکیب را قبول کند. این يك حکومت سمبوليك است! یعنی این يك حکومت دائمی نیست در آینده بر بنیاد رأی گیری عمومی حکومت ایجاد خواهد شد. حکومت فعلی مؤقت است و بخاطر این است که قدرت بمجاهدین انتقال یابد.

شما از اشتراک ملیشای پاکستانی در جنگ صحبت کردید. این بخاطر سقوط حکومت کابل توجیه خوبی است تا بدینا بگوید که دلیل سقوط حکومت کابل ملیشا بود.

شما گفتید استخبارات پاکستان جزء (C.I.A) است و لیکن عالم ماهیت استخبارات شما را میداند، يك مسأله دیگر را تذکر میدهم شما که میخواهید يك دولت ضد امریکایی را ایجاد کنید چرا حکومت ضد شوروی را اعلام نمیکنید. بیایید هردو طرف اعلام کنیم که ماضی استعمار امریکایی و ضد استعمار شوروی استیم! من در پایان باقوام حوصله مندی میگویم بااین لهجه که شما صحبت میکنید ما به نتیجه نمیرسیم. آینده های ما از هم خیلی دور است.

ما در حکومت های غیر منتخب حاضر نبودیم شریک شریک. لیکن درین وضع حساس ایجاب میکرد ازین حکومت پشتیبانی کنیم. هدف ما این بود که در آینده بتوانیم حکومت انتخابی را ایجاد کنیم.»

بهمیز: مصباح الطیاری ته په دی باره کی چی گواکی دا د کابل رژیم ژ چی دغه مذاکره او ملاقات یی غوښتی ژ اوږده وینا وکړه ده وویل ددی ملاقات نه مخکی په لندن کی د دوی له شارژدافیر سره موافقه شوی وه چی دا مذاکره به د ا.خ.د.گ- خفه اسلامی گوند ته د قدرت د لیردولو په مقصد کیږی.

کریاب: «عجیب الله باید په دغو مفاهمو کی ډیر کسان داخل نکړی چی له دی خبرو مشکلات را پیدا کیږی.»

کاویناسی: «اگر شما بما مراجعه نکرده باشید، ما نمرات تیلیفون های شما را در جده، پشاور و طرابلس از کجا بدست آوردیم!»

عیاد مصباح الطیاری: «دکتور احمد شریف رئیس جمعیت دعوت اسلامی، اینجا تشریف داشتند، میخواستند درین جلسه اشتراک کنند. ایشان از اشتراک درین جلسه معذرت خواستند و خواهش کردند که در جلسه فردا اشتراک کنند. البته لبیا مسرت دارد که در سر زمینش چنین ملاقاتهای صورت گیرد و درد و مصیبت افغانستان پایان برسد. ما در لبیا آماده استیم که امکانات خود را در اختیار شما بگذاریم و اگر میخواهید که ما هم نقش خود را داشته باشیم حاضریم آنرا ایفا کنیم!»

لایق: «تشکر از محبت برادران لبیایی؛ برای ما کمال مطلوب است که لبیای برادر در امور مربوط به اعاده صلح در افغانستان با ما تشریک مساعی نماید.

لیکن آنچه بحیث مقدمه اساسی برای پیروزی مذاکرات جانب ما با مخالفین ضروری پنداشته میشود عبارتست از داشتن يك طرح خوب برای آجندہ یعنی يك آجندہ مناسب متکی بر واقعیت.

آجندہ پیشنهادی ما چنین خصوصیت را دارا میباشد: ما

پیشنهاد میکنیم نخصت میان ح.د.خ.ا- و حزب اسلامی آتش
بس دو جانبه رعایت گردد. هر دو جانب يك كمسیون مشترك
مصلحه را بغرض حل و فصل مسائل ذاة البینی ایجاد کنند.

در قدام اول هر دو جانب مناطق تحت كنترول خود را برای خود
حفظ کنند. قطعات مسلح خود را داشته باشند.

هر دو جانب، جوانب دیگر را بصلح و اشتراك در حكومت
ائتلافی دعوت کنند. جانبداران انقلاب را ح.د.خ.ا- و جانب
مخالفین انقلاب حزب اسلامی، که مدعی رهبری آنان میباشد
دعوت نماید.

هر حزب و گروهی که بخواهد جنگ ادامه یابد و
بتوافقات جانبین ما اعتناء نکند میتواند آنرا بصورت مشترك
سرکوب کرد.

ما این ردیف ها را به آئنده میگذاریم حل و فصل مشخصات
مهم را مانند تعیین سهم هر طرف در حكومت ائتلافی که موجب
بروز اختلاف میگردد در قدم دوم مباحثات قرار میدهیم.

میتوان چنین فرمول را پیشنهاد کرد که هر يك از جوانب
اشتراك كننده در حكومت ائتلافی برابر با نیروی دست داشته و
امكانات سهم گیری در مصلحه سهم خواهد شد.

حزب اسلامی با مسأله غیر مسؤولانه و غیر واقع بیتانه برخورد
میکند میگوید: جانب ح.د.خ.ا- قدرت را به ما انتقال بدهد و

ما زندگی اعضاء این حزب را تضمین میکنیم و امنیت ایشان را بدوش میگیریم.

در صورتیکه آنان این پیشنهاد خود را پس نگیرند و پیشنهاد معقول، مفید و قابل بحث ارائه نکنند، صحبت ما به نتیجه نمیرسد و ما نخواهیم توانست ترتیبات لازم را برای ملاقات رهبران دوطرف فراهم آوریم. درینصورت بهتر است جلسه امروز را درینجا پایان برسانیم و به برادران حزب اسلامی وقت بدهیم تا شب را فکر کنند و اگر توانستند پیشنهاد خود را برای بحث تعدیل کنند از طریق شما (خطاب به برادر لبیبایی) بما مراجعه نمایند.

در غیر آن باب مذاکره را مفتوح میگذاریم و دور مذاکرات در طرابلس را خاتمه میدهیم.»

کاویانی: «دوچیز در ملاقاتهای آینده اساس پذیرفته شود و من حیث پرنسپ رعایت گردد.

۱. حل مسأله افغانستان از طریق سیاسی.

۲- اشتراك دادن تمام نیروهای درگیر منازعه اعم از خورد و بزرگ در حل قضیه. سرخط جلسه بدون رسیدن به نتیجه پایان یافت.

ملاقات از ساعت ۷ الی ۱۰ بعد از ظهر در دفتر جمعیه الدعوة الاسلامیه مقیم طرابلس دوام کرد.

۲۱ مارچ ۱۹۸۹ مطابق اول حمل ۱۳۶۷
طرابلس جماہیریۃ لیبیا:

ملاقات با دکتور احمد شریف رئیس جمعیتہ الدعوة الاسلامیہ
جماہیریۃ عربی سوسیالستی مردمی عظمای لیبیا
آغاز ملاقات ساعت ۱۰ قبل از ظہر، انجام ساعت
یک بعد از ظہر.

اشتراک کنندگان از جانب جمہوری افغانستان:

- ۱- سلیمان لایق عضو بیروی سیاسی کمیٹہ مرکزی
- ۲- نجم الدین کاویانی عضو بیروی سیاسی کمیٹہ
مرکزی ح. د. خ. ا.
- ۳- طاہر نسیم عضو روابط بین المللی کمیٹہ مرکزی.

از جانب لیبیا:

- ۱- احمد شریف رئیس جمعیت دعوت اسلامی.
- ۲- عیاد مصباح الطباری.

در آغاز ملاقات

احمد شریف: «برادران قبل از ہمہ برای تان خوش آمدید»

میگویم. لیبیا همواره محل ملاقات برادران مسلمان ما می باشد.
ما هرگز در امور داخلی يك کشور مداخله نمیکنیم ولی باید
همه مسائل را با تفاهم حل نمائیم.

ما از عودت قوای اتحاد شوروی از افغانستان مسرور بوده،
حوادث افغانستان را تعقیب نموده و کوشش میکنم مشکلات
شما با ایجاد تفاهم حل گردد. امیداست بخاطر تامین صلح در
کشور شما چیزی را انجام داده بتوانیم. ما آماده استیم هرچیزی
از شما بشنویم. و بازهم تکرار میکنم به لیبیا خوش آمدید.
اینجا را خانه خود بدانید. حاضرم امکانات خود را در اختیار
شما بگذاریم.

لایق: «بعد از تعارف»: یازده سال قبل در کشور ما تحت
رهبری ح.د.خ. انقلاب برقرار پیوست. ایالات متحده امریکا از
همان آغاز از درون و برون علیه انقلاب افغانی بتوطئه پرداخت.
در همان آغاز بنا بر توطئه های امریکا در وجود حفیظ الله امین
حزب مرتکب اشتباهات شد. يك بخش ازین اشتباهات طبیعی
هم بوده است. در اوایل قیام تمام احزاب و انقلاب ها مرتکب
چنین اشتباهات میگردد. لیکن ایالات متحده امریکا و تمام
مجموعه امپریالیستی مربوطه او وارد پیکار علیه انقلاب ما
گردید. ما شین تبلیغاتی غرب ما را تکفیر کرد و از پاکستان
علیه ما بحیث پایگاه ضد انقلابی استفاده نمودند. باید برای

شما توضیح کنیم که پاکستان با افغانستان خصوصیت های مرزی و ملی دارد و مرجعین پاکستانی همواره منتظر فرصت های مساعدی برای تجاوز علیه کشور ما میباشند. شما خود احساس کرده میتوانید که استخبارات اضلاع متحده امریکا از چنین امکاناتی چگونه استفاده میکند. شما بحیث آزادپخواهان ضد امریکایی نسبت بملل دیگر عربی این راز را بهتر درک میکنید.

آنان در ارتباط دوستی ما با اتحاد شوروی که بعنونه برادرانه میان کشورهای همجوار ما تبدیل شده است، حزب ما را حزب کمونیست خواندند و دولت ما را تاکنون هم رژیم کمونیست کابل میخوانند. اینرا بخاطری تبلیغ کردند تا به اسانی بتوانند ما را از لحاظ مذهبی تکفیر کرده و مردم را در برابر ما قرار دهند. البته حزب ما حزب کمونیست، نیست لیکن حزب ما حزب مترقی، ضد استعمار و طرفدار عدالت و برادری میباشد و اعتقاد دارد که اسلام با این اهداف و والای انسانی مغایرت ندارد.

وسعت و وفرت علایق ما با اتحاد شوروی بسیار طبیعی و ضروریست ما با کشور بزرگ اتحاد شوروی بیش از دو هزار کیلو متر سرحد داریم. اتحاد شوروی بکشور ما کمک همه جانبه میذول میدارد و سهم بزرگتری را در انکشاف آن ادا میکند. وقتی ایالات متحده امریکا بما مشقت میزند او دست میدهد

چنین است واقعیت روابط افغان - شوروی.

از لحاظ روش های اقتصادی پروگرام انکشافی ما با پروگرام شما نزدیکتر است. کشورهای ما بجهان سوم و حلقه کشورهای اسلامی تعلق دارند. امریکا بخاطر حسادت و مخاصمت با اتحاد شوروی حزب ما را حزب کمونیست میخواند و به آن دشمنی میورزد.

پازده سال است که امریکاییان بکشور ما آتش میفرستند. از قضای روزگار در ایران انقلاب اسلامی ضد سلطنتی رخ داد. ما به آن چشم امید دوخته بودیم، لیکن بزودی اشکار شد که رژیم جمهوری اسلامی ایران مخاصمت های ملی زمان سلاطین را با ابعاد و وسعت پیشتر علیه افغانستان انقلابی تعقیب میکند. اگر ایرانی ها جنگ با عراق را نمیداشتند تمام نیروهای نظامی خود را علیه ما بکار می بردند. ما با آنان بدی نکردیم. ما طرفدار ایجاد روابط همسایگی نیک با آنان بودیم و هستیم لیکن ایشان در مخالفین انقلاب افغانستان بخش «هشتگانه» شیعه را علیه ما تجهیز کرده و مانند پاکستان بخانه ما آتش میفرستند شیعه ها در افغانستان ۱۰ الی ۱۵ درصد استند لیکن همین آرزو دارد که از طریق این اقلیت اکثریت احناف را تحت تسلط «خط امام» قرار دهد، ایرانی ها بنیاد گرایان متعصب شیعه مذهب، بنا بر قیالات ضد ستی و ضد افغانی خود

مانند امریکا و ارنجاع پاکستان ما را تکفیر کردند. با چنین اوضاع که مختصراً گفته شد خطر تعرض پاکستان و ایران بوجود آمد. ما اطلاعاتی را بدست آوردیم که ضیاء الحق میخواست قبل از ورود قوای شوروی سه صد هزار عسکر را در دو قسمت یعنی بر شهر جلال آباد که هم اکنون عملاً تحت تعرض شان میباشد ویرگندهار سوق کنند و قسمت های پشتون نشین سرحدی را بخود الحاق و با بساحه نفوذ خود تبدیل کنند، ایرانی ها بولایات غربی و مناطق شیعه نشین همجوار آن چشم دوختند، ما يك راه داشتیم که از همسایه بزرگ اتحاد شوروی کمک نظامی و اعزام قطعات عسکری را به افغانستان مطالبه کنیم. این را به آینده میگذاریم. گذشت زمان همه چیز راروشن خواهد کرد، و باین سوال پاسخ خواهد داد که ورود قطعات مسلح شوروی به جمهوری افغانستان عمل درست و یا نادرست سیاسی بوده است.

لیکن قدر مسلم این است که امریکا ازین اقدام به سز اهداف خود استفاده کرد. امریکائی ها ما را به وطن فروشی متهم کردند و گویا خواستند با ما درس وطن پرستی بدهند!!

امریکا از ورود قوای شوروی شعار دیگری بدست آورد: افغانستان توسط شوروی اشغال شده است!

دو شعار را در برابر انقلاب ما بخاطر بسیج نیروهای ضد

انقلاب برجسته ساختند:

۱- در افغانستان اسلام در خطر است!

۲- افغانستان اشغال شده است!

تحت این شعارها و به بهانه دفاع از اسلام و آزادسازی افغانستان، سیلابی از سلاحهای مرگبار، تجهیزات لوژستیک، گروههای جواسیس و متخصصین ویرانی و تباهی را به پاکستان به کامپ های مهاجرین افغان و کشور ما فرستادند و بکمک پاکستان آنانرا علیه وطن شان علیه آزادی و سروری شان برانگیختند.

یازده سال است که مردم ما در خون و آتش شنا میکنند. مردم ما مردانه از آزادی و انقلاب خود دفاع کردند.

دو سال قبل ۲۵ جدی ۱۳۶۵ هـ ش در اوائل زمامداری دکتور نجیب الله ح. د. خ. ا. باین نتیجه رسید که حل مسأله افغانستان از طریق نظامی میسر نیست باید راه حل سیاسی را تعقیب کرد.

مطابق بهمین طرح داکتر نجیب الله رئیس جمهور افغانستان نمایندگان مردم افغانستان را بجرگه مصالحه ملی دعوت کرد. این جرگه طرحهای حزب ما را که از شورای انقلابی گذشته بود و از طرف شورای علماء و روحانیو باین جرگه پیشنهاد شده بود مورد تصویب قرار داد.

مطابق بهمین طرح که نام «مصلحه ملی» به آن داده شد
اقدامات آتی بعمل آمد:

۱- شورای عالی مصالحه ملی تشکیل و بخاطر تطبیق
سیاست «مصلحه ملی» توظیف گردید.

۲- شورای عالی به تشکیل شوراهای محلی مصالحه ملی در
سراسر کشور دست زد.

۳- ۱۶ هزار زندانی مخالف آزاد شدند. ازین جمله تقریباً دو
هزار زندانی حزب اسلامی بودند.

۴- آتش پس یکجانبه را در برابر مخالفین اعلام کردیم و از
آنان دعوت کردیم که به آتش پس بپیوندند.

۵- لویه جرگه را دائر کردیم و در آن:

الف) قانون اساسی را تصویب کردیم.

ب) رئیس جمهور را انتخاب نمودیم.

در قانون اساسی دین مقدس اسلام بهیث دین افغانستان
تضمین و تسجیل شده است، در قانون اساسی گفته شده هیچ
قانونی در افغانستان مغایر اصول دین اسلام تدوین شده
نمیتواند.

لازم نبود که دین اسلام در قانون اساسی تضمین گردد.

ضمانت حفظ آن با خدا است و اطاعت از اصول دین بمردم تعلق دارد. لیکن ما این کار را عملاً کردم زیرا تا اتهام امپریالیستی را که باعث اغوای مردم میشود از خود دور کنیم.

۶- اعلان کردیم که با مخالفین در هر مکان و زمان برای مذاکره حاضریم.

۷- از انحصار ح.دخ.ا بر قدرت صرف نظر کردیم و مخالفان را با اشتراك در حکومت انتلافی با پایه های وسیع دعوت نمودیم.
(فورمول تشکیل حکومت انتلافی تشریح شد.)

۹- استرداد جای داده ها و امتیازات ماموریت مهاجرین از طرف حکومت ج.ا تضمین گردید.

۱۰- قبول شد که هیچ کسی از اشتراك کنندگانی سیاست مصالحه ملی به اثر جرائمیکه در دوران انقلاب مرتکب شده است تعقیب و مجازات نمی شود.

۱۱- دولت اسلحه مخالفین را که نزد شان جمع شده است در مقابل پول خریداری میکند.

۱۲- دولت معاهدات ژنیو را بحیث بخش خارجی سیاست مصالحه ملی امضا کرد و مشترکاً با اتحاد شوروی قطعات قوای مسلح اتحاد شوروی را بکشور شان بازگشت داد. (معاهدات

.....

.....

ژینو با تفکیک تمام اجزای آن توضیح گردید.)

از امضاء معاهدات ژینو مداخله پاکستان و امریکا در امور افغانستان شدت بیشتر کسب کرد. پاکستانی ها اصلاً معاهدات ژینو را عملی نکردند و منتظر نشستند که با تکمیل عودت قوای شوروی جمهوری افغانستان را سقوط بدهند. امریکا و دستیاران غربی اش مبارزه روانی وسیع را علیه ج.ا. سازمان دادند و تبلیغ کردند که قوای مسلح ج. ا- به تنهایی در برابر «مجاهدین» تاب مقاومت ندارد.

بتاریخ ۱۵ مارچ عودت قوای شوروی از افغانستان تکمیل شد و اکنون یکتیم ماه از آن میگذرد. ضد انقلاب بکمک مستقیم و اشتراك قوای مسلح پاکستان بر جلال آباد حمله وسیع را سازمان دادند لیکن طوریکه میدانید بعد از دوهفته با شکست سنگین رو برو شدند.

قوای مسلح جمهوری افغانستان ثابت کردند آنان صلاحیت دفاع از افغانستان انقلابی را دارند.

طوریکه میدانید نمایندگان حزب اسلامی که جزء هفتم نیروهای مخالف انقلاب میباشند در طرابلس یکبار دیگر با پیشنهاد کردند که قدرت را به حزب ایشان (حزب اسلامی) انتقال دهیم. ببینید آنها چقدر خود خواه و خیالپرست استند

(احمد شریف خنده سر داد). چه بلند پروازی و لاقهای بزرگ
مگر چنان انقلابیون/احمق در دنیا پیدا میشود که قدرت خود را
بدون هیچگونه دلیلی برای دشمن خود تسلیم کند. ما به ایشان
گفتیم قدرت را نخواهیم سپرد شما آنرا از ما بگیرید؛ اگر
میتوانید! لیکن حاضریم آنرا تقسیم کنیم، و به ایشان امتیاز
بیشتر دهیم. برای ایشان توصیه کردیم که واقعین باشند و خود
را از تأثیر اضلاع متحده امریکا و استخبارات پاکستان که
جزوی از (C.I.A) میباشد. آزاد سازند!

آنها بجا گفتند: شما خود رادشمن امریکا میدانیدو میخواهید
حکومت ضد امریکایی را با شما ایجاد کنیم. چرا حکومت ضد
شوروی را ایجاد نمیکنید. ایشان باین شیوه میان امریکا
امپریالست و اتحاد شوروی علامه تساوی میگذارند و هر دو را
یک گونه کشورهای امپریالیستی بر ما منی قبولانند،
(احمد شریف خنده کرد).

احمد شریف: ما این موقف دشوار شما را درک میکنیم
لیبیایی ها هم با چنین دشواری ها مواجه میباشند. «

لایق: «آنان میکوشند خود را از دوستی با امریکا تبرئه
کنند. میگویند سلاح و دارهای امریکایی را نمیگیرند بلکه
سلاحهاییکه با آن علیه ما می جنگند از قوای شوروی بغنیمت
گرفته اند. (احمد شریف باز خند کرد). «

آنان کوشش میکنند توجه مقامات لیبیا را بخود معطوف کنند و ماهیت اخوان و امریکایی خود را بپوشانند. اگر برادران لیبیایی بتوانند که آنان از دست امریکا برون آورند این به نفع صلح در افغانستان و به سود ایجاد حکومت انتلافی با پایه های وسیع خواهد بود.

ما میخواهیم يك کشور اسلامی ضد امریکایی که غیر منسلک، مترقی و عضو صالح جامعه کشورهای بیطرف باشد مستقر سازیم. لیکن کشور هایی وجود دارند که میکوشند از طریق حمایت «هفت گانه ها» و «هشت گانه ها» منافع خود را در افغانستان تأمین کنند. در رأس این کشورها پاکستان قرار دارد. همچنان ایران و عربستان سعودی تلاش میورزند در بازی دشمنی با افغانستان ایجت های خود را در افغانستان بقدرت برسانند. عربستان بخاطری حکومت موقتی راولپندی را برسمیت شناخت که يك وهابی فروخته شده در رأس آن قرار گرفت. عربستان در شورای پوشالی منتسب راولپندی هر رأی را برای حمایت سیاف با ۳۲ هزار دالر خریداری کرد.

باید بگویم که از جمله نفوس کشور تقریباً ۹۰٪ آن سنی های حنفی مذهب هستند. متباقی شیعه مذهب و اسماعیلیه میباشند. ما این مذاهب را مطابق با درجات ایشان برسمیت می شناسیم و برای وحدت اسلامی میان ایشان میکوشیم ولی اجازه نمیدهیم مذاهب جدید که اهداف سیاسی دارند و موجب فتنه در

کشور ما میگردند بر مردم ما تحمیل گردد. گلبدین و حزب او نیز عقایدی بگونه وهابی ها و سلفیون دارند و بر اجتهاد و تابعیت سنت عقیده مند نیستند. در واقع ایشان منافع ایالات متحده را تأمین میکنند و مصرانه در پی تصرف قدرت استند و آنرا که در میدان جنگ بدست آورده نتوانستند اکنون میخواهند از میزهای سیاست بدست آرند. آنان به تقسیم قدرت میان نیروها راضی نمیشوند. میخواهند دریا را تنها بنروشند.

وظیفه خود میدانم از مساعی برادرانه شما در امر نجیبانه تأمین صلح در افغانستان سپاسگزاری کنم و به شما دعوت دهم تا به افغانستان تشریف آورده مهمان گرمی ما باشید. این مسافرت در درک وضع واقعی افغانستان با شما کمک خواهد کرد.

خواهش میکنیم شورای علماء و روحانیون افغانستان را به عضویت جمعیه الدعوة الاسلامیه بپذیرید و آنانرا درین فعالیت وسیع بین المللی فرصت فعالیت بدهید.

تشکر از توجه تان»

احمد شریف: «برادر محترم حقانقی را که توضیح کردید درست و برای معلومات ما مفید بود. ما بحیث لیبیایی ها و مسولین جمعیه دعوة اسلامی مسائل را بیشتر و بهتر فرا گرفتیم. ما در مقام کنفرانس ها در مورد قضیه افغانستان وموقف

روشن داشتیم لیکن در هر حال طرفدار بودیم که قوای شوروی از افغانستان خارج شود. نام شوروی را نمیگرفتیم و میگفتیم باید قوای خارجی از افغانستان برون شود. شما با عودت قوای شوروی اقدام بزدگی را انجام دادید. ما این موضعگیری شما را درك کردیم، توضیحات امروزی شما فهم ما را در مورد قوای شوروی بیشتر توسعه داد. این برای ما دلچسپ است.

من شخصاً دو سال ۱۹۸۰ در جشن انقلاب شما شرکت کرده بودم. با بېرك كارمل ملاقات داشتم. او گفت حفيظ الله امين از جانب امريكا در صفوف انقلابيون تنفيذ شده بود. او برای (C.I.A) کار میکرد. امين ادعا میکرد که ما مارکسیست هستیم. کارمل گفت امين عده یی زیادی از علماء دینی را کشت، مدرسه های دینی را مسدود کرد و علناً ضد اسلام قرار گرفت.

کارمل گفت من محراب و منبر را دوباره در نشان دولتی، بیرق جا دادم. علماء را آزاد کردم و تبلیغ دین را از سر گرفتم. لیکن در واقعیت امر کارمل هم چیزی برای مردم نکرد. من در دعوت رسمی دیدم که شراب توزیع میکردند. تلویزیون کابل مشحون از پروگرامهای غیر اسلامی بود و اگر تشریفات رسمی برگزار می شد نماز بیاد کسی نمی آمد و غیره. ما «جمعیت دعوت اسلامی» يك سازمان غیر دولتی هستیم و بامور دولتی تعلق نداریم و زیر تأثیر آن نیستیم. سازمان ما خلصت و

ماهیت بین المللی دارد و برای اسلام و مسلمانان جهان خدمت میکند. هدف ما بحیث اعضاء جمعیت دعوت اسلامی و نیز بحیث لیبیایی ها این است که مردم افغانستان بصلح نایل آیند و خونریزی در افغانستان مسلمان پایان برسد.

کودتا یا انقلاب شما يك تصادم بزرگ میان مسلمانان را بوجود آورد. بعضی ها در مقابل شما موضعگیری کردند و امریکا از آن، پشتیبانی کرد.

لیبیا میداند که امریکا از اسلام پشتیبانی نمیکند و منافع خود را دنبال میکند. کتونه تحولات مثبت در وطن شما رخ داده است ما جمعیت دعوت اسلامی کوشش بعمل خواهیم آورد تا با شما تماس داشته باشیم و بیک راه حل برسیم میدانم که با دوام تفاهم بیک نتیجه میرسیم و در لیبیا این مساعی را بهخرج میدهیم. البته ما هیچ مداخله در امور شما نخواهیم کرد. لیکن میتوانیم از حرفهای شما به بسیار چیزها پی ببریم. شما چیزهایی مهم را ذکر کردید. ما در باره کشور شما معلومات داشتیم، لیکن حرفهای حضوری شما چیزهایی را معلومات میدهد که از نشرات و کاغذها مستفاد نمیشود.

هر دو طرف هم شما وهم مخالفین تان در غیاب یکدیگر حرفهایی دارید، این چیزی را حل نمیکند درینجا مسأله بر سر ضعیف و قوی نیست، به نظر ما این هم چیزی را حل نمیکند و مفیدیت آن دیده نمیشود. جهان درین روزها بسوی ایجاد تفاهم

میرود. شما جانب مقابل را در نظر بگیرید در میز مدور همه مسائل حل خواهد شد. در لیبیا يك تفاهم خواهیم رسید.

ما با شوروی ها زیاد صحبت داشتیم ما یقین داریم که شوروی ها ارزومند کامل تأمین صلح استند:

ما با شما بار دیگر ملاقات خواهیم کرد. خوب شد بار اول در لیبیا ملاقات کردیم و آینده شاید در جاهای دیگر ملاقات کنیم.

امروز بعد از چاشت با مخالفین شما ملاقات دارم. اگر لازم بود که مشترکاً با آن ها ملاقات کنیم و شاید لازم باشد. در آنصورت به سفیر شما خبر میدهیم. میدانم که ملاقات با آنها مفید خواهد بود. مخصوصاً روحیه باز شما زمینه بهتری را مساعد خواهد ساخت تا ملاقات ها ادامه یابد. امریکا دشمن غیر يك ما میباشد. گرچه این يك کشور نیرومند است و نیرومندتر از هر قدرت دیگر است، لیکن ما خدا داریم و خدا نیرومندتر و برتر از هر نیروی دیگر است. ریگن با تمام پلانیهای خود چیزی نتوانست انجام دهد.

امید داریم صلح و امنیت در سرزمین شما تأمین گردد. ان شاء الله تعالی.

کاوایی: ده سال قبل انقلاب در افغانستان بخاطر خوشبختی مردم افغانستان صورت گرفت ولی این انقلاب در شرائط يك

کشور عقبمانده از يك طرف و پیچیدگی وضع بین المللی از طرف دیگر رشد مینمورد. افغانستان شوریهست دارای موقعیت خاص جیوپولیتیک و محاط در کشورهای بزرگ آسیایی چون اتحاد شوروی، چین، هند، پاکستان و ایران که امکانات و ریزرفهای آن ها نسبت بـما نهایت زیاد است. در آغاز انقلاب برخی اشتباهات صورت گرفت و حضور امین در نهضت به دشواری های انقلاب افزود ولی ما آنرا تصحیح کردیم. اما امریکایی ها در وجود ضیاء الحق با سوء استفاده از عقب ماندگی کشور ما در صدد تحریکات بر آمدند. علیه ما کمپ های نظامی را ایجاد کردند و بکشور ما بقصد خرابکاری فرستادند، ولی ما مقاومت کردیم و ما اصولاً در برابر امریکا قرار داریم.

بهر صورت وضع فعلاً با دیروز متفاوت است، ما در شرائط تکمیل عودت قوای شوروی قرار داریم، یکنیم ماه میشود که يك سرباز شوروی در کشور ما وجود ندارد و با تکمیل عودت قوای شوروی دیگر بهانه یی برای جنگ وجود ندارد. در شرائط تشدید افتراق بین مخالفین ما و ایجاد شورا و حکومت در راولپندی زیر فشار امریکا، استخبارات نظامی پاکستان و عربستان سعودی، در شرائطیکه جمهوری افغانستان مستقلانه از خود دفاع میکند درین امر چشم و گوش بسیاری از افراد را باز کرده است.

در شرائطیکه قوماندان های داخل کشور مایوس شده اند و

مراجعه آن ها بدولت افزایش یافته است بالاخره در شرائطیکه
راه های حل و فصل سیاسی مسائل افغانستان برجستگی بیشتر
کسب کرده است، ما با نمایندگان گلبدین طرحهای خود را گفتیم
و تاکید کردیم که قبل از همه دو اصل را قبول کنند.

اولاً راه حل و فصل سیاسی مسائل افغانستان را ثانیاً با شرکت
همه نیروهای درگیر در جنگ با شمول ح. د خ. ا.

شعار پافشاری روی حل نظامی و مد نظر نگرفتن همه نیروها
موجب تشدید اختلافات میگردد. مشکلات و دشواری ها در
جبهه مخالفین ما زیاد میگردد.

امریکایی ها سعی میکنند که با نقض توافقات ژینو جنگ در
افغانستان ادامه یابد، مداخله تشدید گردد و در نتیجه نفوذ
نظامی و سیاسی آن ها در منطقه، پاکستان و افغانستان
افزایش یابد.

امریکایی ها برای نفوذ بیشتر خود نماینده خاص را در مقام
«سفیر» برای اپوزسیون افغانی درپشاور می فرستند که مسلماً
وظیفه آن معلوم است. امریکایی ها عملاً دولت «مؤقت» را که
ایجاد کرده اند برسمیت شناخته اند. ولی آن را علنی نمی
سازند. برای اینکه مردم جهان میدانند که امریکا ضد مرمان
مسلمان است. این امریکایی ها هستند که علیه لیبیا توطئه و
دسیسه مینمایند. امریکایی ها محاسبه میکنند که کشورهای

ارتجاعی اسلامی از قبیل عربستان سعودی، پاکستان و غیره در پشتیبانی مخالفین افغانستان قرار دارند از چه طریق کشور های اسلامی ضد امریکایی را در پشتیبانی آن ها قرار دهند.

برخی از تنظیم ها سعی میکنند که خود را ضد امریکایی قلمداد نمایند، مثلاً گلبدین، ولی سوالی پیش می آید که در دوران ضیاء الحق که گلبدین نزدیکترین دوست او بود بیشترین دالر و سلاح امریکایی را بدست میآورد، آیا امریکا ازین امر اطلاع نداشت؟ آیا ضیاء و استخبارات نظامی پاکستان در خدمت امریکا نبود و نیست.

از المجاییکه سائر گروپ ها نسبت به گلبدین امکانات کمتر داشتند قوماندان های محلی خود را برای اینکه سلاح و دالر بیشتر بدست بیاورند در تنظیم گلبدین تنفیذ کردند و فعلاً آهسته آهسته آنها استقلال خویش را اعلام میکنند.

در عقب هر تنظیم يك کشور معین ارتجاعی قرار دارد ولی در شورا و حکومت پشاور امریکایی ها نفوذ اساسی را دارند. مجددی از گذشته ها آدم امریکایی ها بوده است. سیاف کاملاً وهابی است و به سعودی ها یعنی امریکایی ها متعلق است. گلبدین نیز آدم امریکا است و وی بنیادگر میباشد و با ساده ترین حقوق طبیعی زن از جمله حق کار، حق تحصیل، حق رأی مخالف است. در مقام شورای راولپندی يك نفر زن حضور نداشت.

سعد الدین رئیس حزب اخوان المسلمین سوریه در بغداد گفت که مواضع حزب وی با گلبدین بسیار نزدیک است، باوی اشنایی و دوستی قبلی دارد. اخوانی ها در جهان اسلام و عرب نشان دادند که عمال استعمار و امریکا استند. بهر صورت نیروهای اپوزیسیون در شرائط دشوار قرار دارند. امریکایی ها از آن ها ادامه جنگ را که بسود منافع امریکاست میخواهند ولی آن ها خوب میدانند که در جنگ موفقیت ندارند، فاقد برنامه مشخص اقتصادی اجتماعی اند. تجربه دولتمداری ندارند. تاکتیک جنگی آنان چریکی و خراب کارانه است. نمیتوانند جنگ جبهه بی را برای تصرف شهر ها به پیش برند. هر وقت که تجمع نمایند هدف کتله بی خوب برای سرکوب هوایی و آتش توپچی اند. ما یک حزب سراسری هستیم و قوای مسلح مجرب و مجهز با سلاح پیشرفته داریم. تجربه دهسال دولتمداری را نیز داریم و تا اخیر از وطن خود و از خوددفاع میکنیم و حل و فصل سیاسی مسائل مردم و کشور خود را طبق منافع مردم خود می خواهیم.

ما در افغانستان یک نظام مترقی، مردمی غیر منسلک، ضد امریکایی و ضد مزدوران امریکایی و دوست جهان سوم و کشور های اسلامی میخواهیم.

پایان

مایه بغداد کی دیعقوبی ... او وطنجار هغه پیشنهاد چی ۸۰ فیصده سهم یی حزب اسلامی ته ورگاوه رد کر

عبدالقدیر "کریاب"

کولای باوه شکله به داؤلت ونه منو چی
 داقتدار لپاره ستاسی په جنگ کی دخپلو
 مجاهدین وروڼو په خلاف ودهوړ . موتم له
 قاسی سره پوښی په دی ټکی بحث
 اومذاکری ته حاضرید چی قدرت لله وړل
 مجاهدینو اویا دهنوی دخریځی کسانو ته
 انتقال شی او ستاسی په برخه کی دعاس
 پهنی اصل مراعت شی .

"واد" دفتر پمقوس . دفاع وزیر اسلام
 وطنجار . دوطن گوند مرستیال سلیمان
 لاین او نجم الدین کاونانی والیهل شوی وو.
 په مذاکراتو کی دهنوی پیشنهاد واز
 چی دگ حکومت په جبریکو چی پکی به
 په سلو کی اتیا برخه دحزب اسلامی وی او
 "شل" دوطن گوند . بیا به دنورو برخلاف
 دگ تصویبی کارکړو.
 "کریاب" وویل چی مایه داکتر لمبپ
 هیات ته فرکند: کړه چی موتم له قاسی
 سره دگ حکومت دجړولو تصورهم نشو

دحزب اسلامی افغانستان داجرائی
 شوی پخوانی غړی اوس سیاسي چارو رئیس
 عبدالقدیر کریاب وویل چیر کله په
 ۱۳۶۹ کال کی داکتر لمبپ ولسمشرین
 دآزادی سازمان دشر پسرمرعات په
 منځکی پتوب له حزب اسلامی سره قاسی
 وزیر او لویشل یی چی دقدرت په انتقال
 خبری وشي .
 نوموړی اودهنوی ترمنځ په پلملادکی
 مذاکرات وشول په دی مذاکراتو کی پسر
 عرفات هم موجود و او داکتر لمبپ له خوا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

یادداشت ناشر

روزنامه شهادت ارگان مرکزی حزب اسلامی افغانستان در شماره ۱۶ سنبله ۱۳۷۴ هـ ش خود پرده از مذاکرات نمایندگان حزب با رژیم دکتور نجیب الله برداشت روزنامه شهادت استدلال نمود که حزب نخواست با رژیم دست نشاندۀ ائتلاف نماید و با وجودیکه هشتاد فیصد سهم به حزب قایل بودند این معامله را نفی نمود.

در همین فرصت یکی از دوستان (یادش بخیر) مسوده جریان دور دوم مذاکرات که در لیبیا صورت گرفته بود و توسط سلیمان لایق رئیس هیئت رژیم دکتور نجیب الله نبشته شده بود بدسترس مان قرار داد. از نشر مطلب منتشره روز نامه شهادت پنداشته می شد که بعد از این موضوع مذاکرات اسرار بشمار نپیروند. روی همین ملحوظ موضوع را با سر دبیر روزنامه شهادت برادر بهارت در میان گذاشتیم و علاقمند بودیم که ساغلی عبدالقدیر کرباب رئیس هیئت حزب در مذاکرات لیبیا نیز چیزی درین باره بنویسد. ولی ساغلی کرباب در مورد دلچسپی نشان نداد و ما مجبور شدیم تنها نبشته سلیمان لایق را در دست داشته باشیم.

این مسوده دور دوم مذاکرات را که در لیبیا صورت گرفته در بردارد و از دور اول مذاکرات که در بغداد اختتام یافته بود ذکری مفصلی بیمان نیامده است، امید است در مورد دور اول آن مذاکرات نیز معلوماتی بدست آمده را نشر نمایم.

باید گفت که آقای لایق یادداشت‌های خود را بدون عنوان قلمبند نموده و سر خط «آقایان بدون اهتمام» انتخاب می‌نمودند. این یادداشت‌ها وقتی از پر ما چرا ترن برده تاریخ ما را در برداشته و رازهای پشت پرده می‌را در خود پنهان کرده است که تکان دهنده ترن انکشافات را جز چشم خواننده بیگانه.

اما مهم اینکه چرا مذاکرات بی نتیجه ماند؟ گذشت زمان ثابت نمود که انتلاقی عوض اینکه نقطه پایان جنگ تلقی شود، سر آغاز خونریزیها و ویرانیهای بیشتری گردیدند.

اینرا باید نیز خاطر نشان سازیم که ما بدون هیچگونه تصرف آنچه بدسترس ما قرار گرفته طبع نمودیم، این سخن بدین معنا نیست که ما از صحت این یاداشتها مطمئن هستیم، و نمیتوان از تمایل فکری نویسنده بنفع جناح خودش چشم پوشید، از همین جهت در برخی موارد آنرا قابل تأمل میدانیم.

تا آنجا که به موضوع اساسی این نوشتار ارتباط دارد، انکشافات جالب، مهم و دلچسپی را در برداشته ولی آقای لایق که در مورد ماهیت مقاومت ملت مان اظهاراتی نموده، میبایست قبل از نوشتن سفرنامه اش صادقانه و مسؤلانه می اندیشید و در رابطه با نقش گروهش با مردم و وطن خود مردانه وار اعتراف می نمود و بجای توجیهات ناموجه به حقایق و واقعیتهای رو می آورد و وجدان خود را راحت می نمود.

در حقیقت همین کودتا گران هفت ثور بودند که آتش جنگ را در کشور بر افروختند، آتشی که تا ایندم زبانه می کشد و مردم رنجکشیده ما را در خود میسوزاند بعبارت دیگر این همه مصائب و خونریزی که دامنگیر ملت ما تاکنون گردیده است، تحت هر نام و عنوانی که باشد و هست، در حقیقت جریان، تداوم و تسلسل همان آغاز نامیمون می باشد که «رفقا» آنرا انقلاب ثور می نامیدند و به «برادران» به ارث گذاشتند.

بهر صورت، با وجود همچو ملاحظات، مطالعه این اوراق در ارزیابی سیر حوادث، عمد پنداشته می شود، البته نشر این رساله قدمی در جهت درک، و مطالعه بیطرفانه قضایا و فهم و حوصله مندی بیشتر درین راستا خواهد بود.

با عرض حرمت

مرکز خدمات مطبوعاتی

جریان

ملاقات ما با نمایندگان حزب اسلامی گلبندین

۲۰ مارچ ۱۹۸۹ - آخر حوت ۱۳۶۷

طرابلس

جمهورية ليبيا

سليمان لايق